

نگاهی دیگر به آفرینش مخلوقات از ماء

میر قزح فتاح زاده / غلام حسین تاجری نسب

چکیده:

خدای متعال در قرآن (آیه ۳۰ انبیاء و ۴۵ نور) خلقت هر موجود زنده‌ای را از «ماء» دانسته است. مترجمان و مفسران این کلمه را به آب (یا به شکل ترکیب هیدروژن و اکسیژن و یا مایع حاوی نطفه) ترجمه و تفسیر کرده‌اند. از آن جا که بسیاری از موجودات زنده، مانند فرشتگان، پریان، حضرت آدم و عیسی و پرندگان خلق شده به دست آن حضرت، آفریده از آب نیستند و از طرفی گیاهان و بسیاری از حیوانات از طریق نطفه ایجاد نشده‌اند، مفسران ناگزیر شده‌اند عبارت «کل شیء حی» را در این آیه محدود سازند و به دلایل مختلف، موجودات یادشده را از شمول این آیه خارج سازند. در ضمن گرچه بسیاری از مفسران، خلقت موجودات زنده انتخاب شده را از آب دانسته‌اند، ولی در توضیح سخن خود نتوانسته‌اند پایبند به آن باقی بمانند و معنای آیه را تغییر داده و حیات موجودات را وابسته به آب دانسته‌اند و در عمل، معنای منتخب خود را تغییر داده‌اند. با بررسی دقیق روایات، به دست می‌آید که منظور از ماء، ماده اولیه آفرینش است که بسیار لطیف می‌باشد و خدای متعال همه موجودات دنیوی و اخروی را از آن آفریده است. با چنین رویکردی، نباید اسم خاص ماء در این دو آیه و برخی از روایات به آب ترجمه شود؛ آنگاه آفریده شدن هر موجود زنده‌ای از ماء، به راحتی توجیه می‌گردد و نیازی به محدود ساختن عبارت «کل شیء حی» و خروج از ظاهر آیه نیست و مفسر می‌تواند پایبند به ترجمه خود باقی بماند و در شرح سخن خویش از ترجمه اولیه خود رویگردان نشود.

کلید واژه: خلقت؛ آفرینش، ماء؛ ماء بسیط؛ آب، ماده المواد.

مقدمه:

خدای متعال در قرآن، آفرینش همه موجودات زنده را از ماء دانسته است. برخی از مفسران، عبارت «هر موجود زنده» را محدود ساخته و معنای این عبارت را، «خلقت برخی از موجودات زنده از آب^۱» دانسته‌اند. آیا آن‌ها موفق شده‌اند برای چنین ترجمه و تفسیری، سخنان مستدل، نظام مند و بدون تناقض و اختلاف ارائه کنند؟

مفسران، بر اساس دو آیه ۳۰ انبیاء و ۴۵ نور، خلقت موجودات زنده را از آب دانسته‌اند؛ ولی به هنگام شرح و تبیین سخن خویش، برخی از عهده شرح این موضوع برنیامده‌اند؛ برخی دیگر نیز، عملاً از این فرض اولیه، یعنی خلقت از آب؛ روی‌گردان شده و گرفتار ناهم‌گونی در گفتار گشته‌اند. این ناهماهنگی و ضعف سخن در چنین موضوع حساس سبب بروز شبهات می‌شود، لذا نگارنده پرداختن به آن را بر خود و پژوهشگران مسلمان لازم می‌داند.

البته در موضوع آفرینش و آیات آن در قرآن، کتاب‌ها و مقالات فراوانی وجود دارد، ولی در عین حال پرسش‌های حل نشده بسیاری هست که نیاز مبرم به تمرکز بیشتر بر روی آن‌ها دیده می‌شود. یکی از آن‌ها موضوع آفرینش موجودات از ماء است که کمتر به آن پرداخته‌اند. مقاله حاضر با بررسی ۶۵ تفسیر شیعی، ۵۰ تفسیر سنی و ۲ تفسیر زیدی، به بررسی این مطلب پرداخته و ضرورت بازنگری در انگاره «خلقت موجودات زنده از آب» را نشان داده است. در فرض اولیه، صاحبان تفاسیر، ماء را به معنی آب دانسته‌اند؛ اما دیده‌اند که بسیاری از موجودات، در این محدوده قرار نمی‌گیرند، لذا وادار شده‌اند که عبارت مطلق و بدون قید «کل شیء» در قرآن را محدود سازند.

با مراجعه به سخنان اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان قراین و دلایل فراوانی پیدا کرد که کلمه ماء در این دو آیه، دلالتی بر آب ندارد و در ترجمه نیز نباید آن را به معنی آب دانست. این کلمه در قرآن معانی مختلفی دارد و در این آیات، اشاره به ماده اولیه‌ای می‌کند که همه موجودات زنده، چه دنیوی و چه اخروی، از آن آفریده شده‌اند. در این صورت، نیازی به

۱. مراد از «آب» در سراسر این مقاله، مایع معروف یعنی ترکیب شیمیایی هیدروژن و اکسیژن است.

محدود سازی عبارت «کل شیء حی» و خارج کردن آن از معنای ظاهری نخواهد بود؛ هم چنین انسجام و نظام مندی سخن در سراسر آن محفوظ و هماهنگ می ماند و با ترجمه آیه نیز سازگاری دارد.

از آن جا که در تاریخ اندیشه بشری، موضوع خلقت همیشه برای اندیشمندان جذاب و مهم بوده است و بحث از ماده اولیه آفرینش در بسیاری از مباحث ایشان به چشم می خورد (تاریخ فلسفه، کاپلستون ۲۸/۱). ما نیز می توانیم با افتخار نشان دهیم قرآن که آینه آفرینش الهی و حاوی تمامی حقایق آن می باشد (نحل/۸۹: وَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ). در این موضوع نیز سخنی تازه ارائه می کند. البته، نه مانند برخی که پس از کشف مباحثی از جانب غربیان، به دنبال هماهنگ سازی آیات قرآن با یافته های آن ها هستند، بلکه به عنوان سخنی جدید در علوم طبیعی که توان هموردی با کشفیات آن ها را دارد.

بررسی لغوی ماء

تقریباً بیشتر لغت شناسان ذیل ریشه «موه» و در توضیح کلمه ماء، اشاره کرده اند که این کلمه شناخته شده و بی نیاز به توضیح است. لذا به شرح آن پرداخته اند و از کلماتی که این معروفیت را نشان می دهد، استفاده کرده اند. به عنوان نمونه خلیل و ابن درید و ابن سیده به ذکر عبارت «معروف» (ترتیب کتاب العین/۳/۱۷۳۷؛ جمهرة اللغة/۱/۲۴۸؛ المحکم و المحيط الاعظم/۴/۴۴۵) و جوهری به «ما یشرب» (الصاحح/۶/۲۲۵۰) اکتفا کرده اند. برخی نیز مانند ابن فارس حتی به این مقدار هم شرحی نداده اند (معجم مقاییس اللغة/۵/۲۸۶). زبیدی در تاج العروس پس از نقل سخن برخی که گفته اند: «هو جَوْهَرٌ لَا لَوْنَ لَهُ»، از شیخ خود نقل کرده است که این کلمه در نزد عرب شناخته شده است و نیازی به شرح بیشتری ندارد (تاج العروس/۱۹/۹۷). مصطفوی از معدود کسانی است که بر معنای دیگری تاکید کرده و ماء را «سیالی لطیف و جاری دانسته است که استعداد تحوّل به شکل های متنوع و گوناگون را دارد» (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن/۱۱/۲۲۰).

کاربرد کلمه ماء در قرآن

کلمه ماء در ۶۳ آیه (۵۹ بار به صیغه مفرد و بدون ضمیر، و چهار بار به همراه ضمائر متصل) در موارد زیر به کار رفته است:

۱) آب (آب باران، آب وضو، سیل و مطلق آب): ماء به این مفهوم در قرآن چنین توصیف شده است: ماء طهوراً (الفرقان/۴۸)؛ ماء مبارکاً (ق/۹)؛ ماء تَجَاجاً (نبأ/۱۴)؛ ماء فراتاً (المرسلات/۲۷) و ماء مسکوب (الواقعة/۳۱).

۲) آب جهنم (مایی که در جهنم به جای آب به اهل آن داده می شود). این مایع با دو ویژگی توصیف شده است: صدید (زرد و چرکین) (ابراهیم/۱۶) و حمیم (جوشان و سوزان) (در دوازده آیه ذکر شده است از جمله: الانعام/۷۰)

۳) مایع حاوی یاخته های نرینگی: این مایع که حاوی سلول های جنسی مردانه می باشد، با دو ویژگی نام برده شده است: مهین (ناچیز و بی ارزش) (المرسلات/۲۰ و السجده/۸)؛ دافق (جهنده) (الطارق/۶)

۴) نوشیدنی گوارایی که با استقامت در طریق مشخصی خداوند وعده چشاندن آن را به انسان داده است "ماء غدقاً" (الجن/۱۶)

۵) ماده ای که خدای متعال موجودات زنده را از آن خلق کرده است. (الانبیاء/۳۰ و النور/۴۵)

این ویژگی ها و کاربردها نشان می دهد که لزوماً ماء در همه جا در مفهوم آب به شکل ترکیبی از هیدروژن و اکسیژن نمی باشد، بلکه ویژگی های مشترکی سبب شده است که در جاهای مختلف و حتی در عوالم دیگری از این کلمه استفاده شود و در هر جایی به جهت یک یا چند ویژگی آن، مورد استفاده قرار گیرد. از این رو می بینیم که ائمه اطهار علیهم السلام در تفسیر برخی از آیات (مانند آیه ۳۰ سوره ملک) حضرت مهدی علیه السلام را (الکلینی، الکافی/۱/۳۴۰: ... إِذَا غَابَ عَنْكُمْ إِمَامُكُمْ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ جَدِيدٍ) و در برخی دیگر علم و دانش (استرآبادی، تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة/۷۰۳) را از مصادیق این کلمه دانسته اند.

خداوند متعال در دو آیه از قرآن، خلقت موجودات زنده را از ماء دانسته است.

"وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ..." (نور/۴۵)
 "أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ" (انبیاء/۳۰)

بیشتر مترجمان و مفسران کلمه الماء در این دو آیه را به آب ترجمه و تفسیر کرده‌اند، ولی با کمی دقت نظر در این مفهوم، ابهامات متعددی به چشم می‌خورد که در گفتار مفسران یا به آن‌ها اشاره‌ای نشده است و یا توضیحات ایشان نمی‌تواند پاسخ‌گوی این مشکلات باشد. برای بررسی این ابهامات، باید در این دو آیه نکات زیر به دقت بررسی شود:

- ۱- کلمه "جعل" در این آیه چه معنایی دارد؟
- ۲- کلمه ماء در میان مترجمان و مفسران به چند شکل ترجمه یا تفسیر شده است؟
- ۳- آیا مفسرانی که جعل را به معنای خلق دانسته‌اند، موفق شده‌اند بر این ترجمه پایبند باقی بمانند یا این که در توضیحات خود از این معنا عدول کرده‌اند؟
- ۴- آیا عبارت «کل شیء حی» (همه موجودات زنده)، به راستی شامل همه موجودات زنده است یا این که باید برخی موجودات زنده را از آن استثنا کرد؟
- ۵- آیا تکیه برخی از مفسران به علوم تجربی روز در این زمینه، کمکی به تبیین و تفسیر این آیه نموده است؟
- ۶- آیا باوری را می‌توان به عنوان پشتوانه خارج ساختن فرشتگان از شمول آیه در سخنان برخی از مفسران پیدا کرد؟
- ۷- آیا می‌توان با تکیه بر قرآینی، از جمله روایات معصومین علیهم‌السلام، در معنای کلمه ماء بازنگری نمود و این کلمه را منحصرأ مایع مشهور متشکل از هیدروژن و اکسیژن ندانست؟

نکته اول: بررسی کلمه جعل

۱- آیه (وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ) در میان مترجمان به سه گونه ترجمه برمی‌خوریم: برخی از آن‌ها جعل را یک مفعولی و به معنی آفریدن می‌دانند (آیتی، الهی قمشه‌ای، خواجه‌ای، فولادوند، فیض الاسلام، مشکینی)؛ برخی دیگر جعل را دو مفعولی و به معنی زنده قرار دادن دانسته‌اند (ارفع، بروجردی، فارسی، صفارزاده)، و تعداد کمی هم، از کلماتی مانند گردانیدیم،

قرار دادیم، و... (از جمله رضایی، شعرانی و مکارم) به گونه‌ای بهره برده‌اند که موضع آن‌ها به روشنی قابل تشخیص نیست.

اگر کلمه جعل به معنای خلق باشد، آیه چنین ترجمه می‌شود: ما هر موجود زنده‌ای را از آب آفریدیم. آیه ۴۵ سوره نور (وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّنْ مَّاءٍ...) شاهدی برای این ترجمه است. ولی اگر جعل به معنی «قرار دادن» باشد، در این صورت باید دو مفعول را در جمله برای آن نشان بدهیم و معنای عبارت چنین می‌شود: ما همه موجودات را به وسیله آب؛ حی و زنده قرار دادیم. (زمخشری، کشاف/۳/۱۱۳)

بر اساس ظاهر آیه، کلمه حی در این آیه به صورت صفت برای کلمه شیء به کار رفته است و دو مفعولی دانستن کلمه جعل در این آیه و ترجمه اخیر با شکل ظاهری عبارت هماهنگی ندارد. به همین جهت بیشتر مترجمان و مفسران کلمه جعل را به معنای خلق دانسته‌اند و برخی از آن‌ها در این تفسیر خود، آیه ۴۵ سوره نور را به عنوان شاهد ذکر کرده‌اند. با توجه به این برداشت عمومی و وجود قرینه روشن و با توجه به ظاهر آیه، رویگردانی از این معنا نیاز به تکلف زیادی خواهد داشت.

بیشتر مفسران، از جمله ابن شهر آشوب مازندرانی (متشابه القرآن و مختلفه/۱/۳۰)، بیضاوی (انوار التنزیل/۴/۵۰)، مراغی (تفسیر مراغی/۱۷/۲۶)، قرطبی (الجامع لاحکام القرآن/۱۱/۲۸۴)، سید بن قطب ساذلی (فی ظلال القرآن/۴/۲۳۷۶)، فخر رازی (مفاتیح الغیب/۲۲/۱۳۸)، طباطبایی، جوادی آملی و معرفت (التمهید/۶/۳۳) کلمه جعل را به معنی خلق دانسته‌اند. اما برخی از ایشان مانند شیخ طوسی عبارت «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» را به معنی «هر چیزی به وسیله آب زنده گشت» گرفته و گیاهان را نیز مشمول این عنوان دانسته و این قول را بر سخن کسانی که ماء را به معنای نطفه دانسته‌اند، ترجیح داده است (التبیان/۷/۲۴۳) و المعنی إن کل شیء صار حیاً)

طبرسی بیان می‌کند که خداوند متعال، با همان آبی که از آسمان فرستاده، موجب حیات همه چیز می‌گردد (مجمع البیان/۷/۷۲). زمخشری در قول دوم خود بیان می‌کند که شدت احتیاج حیوانات به آب، به قدری است که گویا از آن خلق شده‌اند

(الکشاف/۳/۱۱۳). شوکانی نیز مانند طبرسی آب را مایع حیات همه موجودات دانسته است (فتح‌القدیر/۳/۴۷۸).
زمخشری در قول دوم خود، جعل را دو مفعولی و به معنای إحياء دانسته است (زمخشری، کشاف/۳/۱۱۳).

نکته دوم: ترجمه و تفسیر کلمه ماء

مترجمان قرآن همگی ماء را به معنی آب دانسته‌اند.^۱ همه مفسران شیعی به جز موارد نادری (سبزواری نجفی، تفسیرالجدید فی تفسیرالقرآن‌المجید/۴/۴۹۲)، و بیشتر مفسران سنی، ماء را به معنی آب و برخی به معنای نطفه دانسته‌اند.

گروه اخیر گاهی به برخی آیات دیگر که به آفرینش انسان از نطفه اشاره دارد، استناد کرده‌اند، مانند این آیات: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ» (الانسان/۲)، «الْمَخْلُوقُ مِنَ مَاءٍ مَهِينٍ» (المرسلات/۲۰)؛ «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ * خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ» (الطارق/۵ و ۶). به عنوان مثال، میبدی (کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار/۶/۲۳۱) بر این عقیده بوده است و برخی دیگر مانند ابن ابی حاتم (تفسیرالقرآن‌العظیم/۸/۲۴۵۱) و سمرقندی (تفسیر سمرقندی/۲/۴۲۵) این سخن را به تابعی مشهور ابوالعالیه نسبت داده‌اند. البته کلمه ماء در تمام این آیات به صورت نکره و به همراه یک صفت تعیین‌کننده آمده است، ولی در آیه مورد نظر (انبیاء/۳۰) این کلمه با الف و لام و به صورت مطلق آمده است.

نکته سوم: پایبندی به ترجمه

مفسرانی که جعل را به معنی خلق دانسته‌اند، در توضیح گفتار خود، بر این ترجمه وفادار و صادق نمانده‌اند و در عمل سخن خود را به نفع دو مفعولی بودن جعل تغییر داده و به نقش مهم و حیاتی آب در زندگی موجودات پرداخته و از آفریده شدن موجودات از آب سخنی به میان نیاورده‌اند.

هنگامی که در باره آفرینش چیزی از یک چیز دیگر سخن گفته می‌شود، موجود جدید یا

۱. در این بررسی، بر کتابهای تفسیری موجود در نرم افزار نور تکیه شده است و کلمه بیشترین، با توجه به مفسرانی است که کتابهای آنها در این نرم افزار موجود می‌باشد.

باید جزئی از ماده اولیه باشد یا ماده اولیه تغییری یافته و به موجود جدید تبدیل شود. برخی از مفسرانی که این ترجمه را برگزیده و جعل را به معنی خلق دانسته‌اند، هیچ توضیحی در این باره نداده‌اند و برخی دیگر در توضیح و شرح این گزینش، تنها بیان کرده‌اند که موجودات زنده نیاز شدید به آب دارند و زندگی آن‌ها به شدت وابسته به آب می‌باشد. یعنی گرچه سخن از آفرینش موجودات زنده از آب بوده است، ولی عملاً به سوی وابستگی به آب گرایش یافته‌اند، یعنی در ابتدا جعل را یک مفعولی دانسته و در شرح آن به شکل دو مفعولی توضیح داده‌اند.

ملافتح الله کاشانی ابتدا به صراحت جعل را به معنی خلق می‌داند، ولی در شرح آن بیان می‌کند که چون بخش اعظم بدن انسان از آب است یا این که به شدت به آن احتیاج دارد، این گونه تعبیر شده است، گویی که خدا موجودات را از آب آفریده است. (منهج الصادقین/۵۸/۶) ملامحسن فیض نیز ابتدا به استناد آیه ۴۵ سوره نور، معنای خلق را برگزیده، ولی سپس احتمال دوم را نیز مطرح کرده است که جعل می‌تواند به معنای احیاء باشد و دلیل خود را شدت احتیاج موجودات زنده به آب دانسته است. (الاصفی/۷۸۲/۲).

علامه طباطبایی گرچه جعل را به معنی آفریدن و عبارت کُلُّ شَيْءٍ حَيٍّ را مفعول آن می‌شمارد، و به آیه ۴۵ سوره نور هم استناد می‌کند، ولی در عین حال در توضیح سخن خود عملاً از این معنا منصرف شده و به وابستگی موجودات به آب می‌پردازد. او معتقد است که آب نقش مهم و دخالت تامی در هستی موجودات زنده دارد و این مساله، یعنی ارتباط زندگی با آب، در مباحث علمی به خوبی روشن شده و به ثبوت رسیده است (المیزان/۲۷۹/۱۴). در تفسیر نمونه نیز می‌بینیم که ابتدا سخن از آفرینش موجودات از آب مطرح شده (تفسیر نمونه/۳۹۴/۱۳) و سپس در ادامه بیان شده است که حیات موجودات به آب بستگی دارد. (تفسیر نمونه/۳۹۶/۱۳).

نقد و بررسی:

وابستگی به یک چیز، دلیل خلق شدن از آن نیست. مثلاً موجودات زنده به شدت به هوا وابسته هستند، ولی از آن آفریده نشده‌اند.

به این ترتیب می بینیم که این گونه تفاسیر، با ظاهریک مفعولی آیه هماهنگی ندارد و با فهم ابتدایی خود مفسران نیز همساز نیست؛ زیرا جعل را به معنی خلق دانسته اند، ولی توضیحی درباره خلقت نداده، بلکه درباره احتیاج موجودات زنده به آب سخن گفته اند.

نکته چهارم: محدود ساختن عبارت کل شیء حی

اگر در این آیه ماء به معنی آب (چه آب نوشیدنی، آب باران و یا مایع حاوی یاخته های نرینگی) باشد، بسیاری از موجودات را نمی تواند شامل گردد و مجموعه بزرگی از عالم تکوین خارج از این حکم الهی خواهند بود.

مفسران به این نکته اشاره کرده اند که بسیاری از موجودات زنده این عالم از آب خلق نشده اند. مثلاً فرشتگان و پریان، حضرت آدم و عیسی، پرندگان که حضرت عیسی آفرید، هیچ کدام از آب آفریده نشده اند. لذا برای حل این مشکل، مجبور به محدود ساختن کلمه کل گشته اند.

محمد بن ابی بکر رازی حنفی برای این که نشان دهد کلمه کل نباید لزوماً معنای مطلق داشته باشد و همه موارد را شامل گردد دو آیه "وَأَوْقَيْتَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ" (النمل/۲۳) و "وَ جَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ" (یونس/۲۲) را به عنوان شاهد ذکر کرده و نتیجه گرفته است که عبارت "كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ" نیز نظیر آنها شامل همه موجودات نیست. همچنین بیان کرده که خلق موجودات از آب لزوماً نباید بی واسطه باشد، بلکه اگر با واسطه نیز آفریده شده باشند، همین اطلاق شامل حال آنها می شود مانند این روایات که خداوند فرشتگان را از نسیمی برخاسته از آب، جن ها را از آتشی برخاسته از آب و آدم را از خاکی برخاسته از آب آفریده است. " (أسئلة القرآن وأجوبتها/۲۰۹)

نقد: این آیات نمی تواند شاهد مناسبی برای عبارت «کل شیء» در آیه مورد نظر باشد. در هر دو شاهد یاد شده، قرینه عقلی کاملاً روشنی در محدود بودن کلمه کل وجود دارد. در بهره مندی ملکه سبا از هر چیزی، کاملاً روشن است که او به طور مطلق دارای همه توانایی های عالم نیست و در ادامه آیات هم، توانایی بیشتر حضرت سلیمان به رخ او کشیده شده است. در آیه بعدی نیز به قرینه عقلی آمدن موج از هر مکانی مطرح نیست،

بلکه در محدوده همان مکانی است که سخن از موج می‌رود، نه از تمامی مکان‌های موجود در عالم. پس آیه مورد نظر که در آن «آفرینش همه موجودات زنده از آب» مطرح شده است، شباهتی با شواهد آورده شده ندارد و استشهاد مفسر مزبور دقیق نیست.

فخر رازی عبارت آیه را شامل همه موجودات زنده از جمله گیاهان می‌داند، ولی با قبول موارد استثناء؛ از جمله: جن‌ها با استناد به آیه "وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ" (الحجر/۲۷)، آدم عَلَيْهِ السَّلَام با آیه "...خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ..." (آل عمران/۵۹) و پرندگان خلق شده حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام بر اساس آیه "وَإِذْ خَلَقْنَا مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأَذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِأَذْنِي" (المائدة/۱۱۰)؛ او فرشتگان را نیز خارج از این محدوده می‌شمارد. (مفاتیح الغیب/۲۲/۱۳۸)

جوادی آملی گرچه آفرینش فرشتگان را خارج از مصادیق این آیه می‌داند، ولی برای نفی دخالت آب در حیات یا خلقت جن و پرندگان آفریده شده توسط حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام دلیل قانع‌کننده‌ای سراغ ندارد. (تفسیر تسنیم/ذیل آیه ۳۰ انبیا برگرفته از سایت اسراء). در عین حال یادآوری می‌کند که حل پیچیدگی‌های این موضوع نیاز به تأملات و دقت نظرهای فراوان دارد و با بنای عقلا و نگاه عرفی نمی‌توان این مشکل را حل کرد که از طرفی همه موجودات زنده از آب خلق شده باشند و از طرفی آفرینش جن را از آتش و انسان را از طین بدانیم. (همان).

فخر رازی سه توجیه را در باره این آیه ذکر کرده و در میان آن‌ها قول قفال را بهترین دانسته و برگزیده است. او بیان کرده که جاز و مجرور «من ماء» متعلق به «کل دابة» می‌باشد، نه متعلق به «خلق». در نتیجه معنی آیه این می‌شود که تمام حیواناتی که از نطفه پدید آمده‌اند، مخلوق خدایند. (التفسیر الکبیر: ج ۲۴ ص ۱۶)

نقد: این سخن، پرده از نکته جدیدی بر نمی‌دارد، زیرا بدیهی است که همه موجودات را خدای متعال آفریده است. بیان این حقیقت بدیهی چه نکته جدیدی را به همراه خواهد داشت؟

نکته پنجم: تکیه بر مباحث علوم تجربی در تفسیر آیات

معرفت با اشاره به آیه (وَكَانَ عَرَشُهُ عَلَى الْمَاءِ) (هود/۷) بیان می‌کند که آیه کنایه

است به این که غیر از خداوند چیزی نبود و خدای متعال پیش از هر چیزی آب را آفرید (التمهید/۳۲/۶). او هیچ کدام از سه توجیه فخر رازی در مورد آیه ۳۰ انبیاء را نمی‌پذیرد و بیان می‌کند که مفسران محقق از ابتدا نظری جز این نداشته‌اند که آب، ریشه و اصل همه موجودات می‌باشد و حیات و نخستین نشانه‌های آن به شکل جاننداری ساده که آمیب می‌باشد، از آب ناشی شده است و سپس به جانداران مرکب و متعدد گسترش یافته است. البته ایشان در ادامه بیان می‌کند که دانش روز پاسخی برای چگونگی تشکیل آمیب از آب ندارد (همان/۳۳).

نقد: گرچه آقای معرفت تصریح نموده که حقایق قرآن را نباید وابسته به علوم متغیر تجربی کرد، ولی در شرح این آیه، خود نیز چنین مسیری پیموده است (همان). مفسرانی که ماء را به معنی نطفه دانسته‌اند، نتوانسته‌اند پاسخ‌گوی برخی از پرسش‌ها باشند. از جمله در باره گیاهان و حیوانات غیر پستاندار و هزاران نوع دیگر از جانداران که تولید مثل آن‌ها از طریق نطفه نیست، توجیهی ندارد. بعلاوه خلقت حضرت آدم و حضرت مسیح علیه السلام و همه جن‌ها نیز بر این اساس قابل توجیه نیست.

نکته ششم: خارج ساختن فرشتگان از شمول آیه

تقریباً تمام مفسرانی که عبارت "کل شیء حی" را در آیه ۳۰ انبیاء و ۴۵ نور محدود ساخته‌اند، فرشتگان و پریان را از این دایره خارج کرده‌اند. علاوه بر تصریح قرآن در خلقت پریان از آتش (الرحمن/۱۵)، مجرد انگاری فرشتگان توسط برخی از مفسران، می‌تواند انگیزه دیگری بر این استثنا باشد.

در نگاه فلسفی، فرشتگان، از وجودات خالص و بدون ماهیت‌اند (مفاتیح الغیب/۵۳۰) و مکان داشتن آن‌ها در آسمان، به معنی تعلق‌شان به آن است و از این رو منافاتی بین تجرد آنها و حضورشان در آسمان نیست (بحرانی، ابن میثم، قواعد المرام فی علم الکلام/۱۶۰). حتی برخی، آسمان‌های حضور آن‌ها را نیز برزخی و مجرد دانسته‌اند (رسائل توحیدیه/۱۸۹) و نزول و صعودشان را نیز از سنخ مجردات برشمرده‌اند.

آفرینش از آب و یا حتی ماندگاری موجودات به سبب آب، با هیچ توجیهی با تجرد

آنها سازگاری ندارد. از این رو مفسری که چنین باوری داشته باشد، ناگزیر این گروه را به هر شکلی، خارج از محدوده آفریده شدگان از آب می داند (طباطبایی، ج ۱۴/۲۷۹).

نقد مجردانگاری فرشتگان:

توصیفات قرآن و روایات نقل شده از معصومین علیهم السلام، با تجرد فرشتگان همسازی ندارد. بخشی از این توصیفات به قرار زیر است:

فرشتگان دارای صف و ردیف هستند: **وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا** (فجر/۲۲)، **بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ** (انفال/۹)؛ قابل شمارش هستند و تعداد دارند: **يُمَدِّكُمُ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ** (آل عمران/۱۲۴)؛ **بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ** (انفال/۹)؛ نشان دار می باشند: **الْمَلَائِكَةُ مُسَوِّمِينَ** (آل عمران/۱۲۵)؛ دست دارند: **وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيَهُمْ** (انعام/۹۳)؛ عروج و نزول دارند: **تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ** (المعارج/۴)؛ **تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا** (القدر/۴)؛ سجده کرده اند: **فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ** (ص/۷۳)؛ جا و مکان دارند: **يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ** **وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا** (الجن/۲۷)؛ **عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ*** ما يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (ق/۱۷-۱۸)؛ **تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَاقِقِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ** (الزمر/۷۵)؛ بال دارند: **أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنٍ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ** (فاطر/۱)؛ از درهای مختلف وارد می شوند: **وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ** (الرعد/۲۳).

توصیفات فرشتگان در روایات به گونه ای است که هیچ شکی در مادی بودن شان بر جای نمی گذارد.^۲ امیر مؤمنان علیه السلام آن ها را دارای شکل های مختلف و بال های گوناگون معرفی فرموده است: **أَنْشَأَهُمْ عَلَى صُورٍ مُخْتَلِفَاتٍ وَأَقْدَارٍ مُتَّفَاوِتَاتٍ** **أُولِي أَجْنِحَةٍ** (نهج البلاغه، / خطبه اول).

امام سجّاد علیه السلام در سخنانی خطاب به ابوحمزه ثمالی تصریح می فرماید که فرشتگان به خانه ایشان رفت و آمد کرده و آن حضرت از پره های ریزان ها برای فرزندان شان گردن بند

۱. لعل ورود القول في سياق تعداد الآيات المحسوسة يوجب انصراف الحكم بغير الملائكة و من يحذو حذوهم.

۲. در این جمله، "ماده" به معنای گسترده آن به کار می رود. طبعاً انسان از جنس ماده به معنای کثیف است، ولی ملک ماده لطیف است. تفصیل این جداسازی مفاهیم، مجال دیگری می طلبد.

می ساخته است (کلینی، الکافی/۱/۳۹۴). به نقل حسین بن ابی العلاء، امام صادق علیه السلام دست برپستی های خانه خود زد و فرمود: "چه زمان های طولانی که فرشتگان بر این ها تکیه زده اند و گاهی نیز ما از پرهای آن ها برداشته ایم." (همان/۳۹۳: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ يَا حُسَيْنُ وَضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى مَسَاوِرِ فِي الْبَيْتِ مَسَاوِرُ طَالَ مَا اتَّكَتْ عَلَيْهَا الْمَلَائِكَةُ وَرَبَّمَا التَّقَطْنَا مِنْ زَعَبِهَا).

اگر بنا بر قول برخی مفسران (طباطبایی، ج ۱۴/۲۷۹)، سخن گفتن از آسمان ها و زمین را سیاقی بدانیم که نشان دهنده آفرینش تعداد خاصی از موجودات زنده محسوس از آب باشد، در این صورت باید همه ریز موجوداتی را هم که به چشم غیر مسلح دیده نمی شوند، از این دایره خارج کنیم؛ زیرا هیچ تناسبی میان آسمان ها و زمین با موجودات زنده ای همچون باکتری ها و ویروس ها وجود ندارد.

از طرفی به فرض خارج کردن فرشتگان از شمول عبارت "کل شیء"، باز هم به نظر نمی رسد که بتوان این مشکل را حل کرد؛ زیرا پرنده گانی که حضرت عیسی آفرید و هم چنین خود حضرت آدم و عیسی علیه السلام نیز موجوداتی زنده اند که آفریده شدن ایشان با شمول آیه سازگاری ندارد. در نتیجه می بینیم که اگر ماء به معنی آب (از هر نوع آن) باشد، ابهامات این آیه برطرف نمی شود و این آیات، تنها به سبب برخی نادانسته ها از ظهور قطعی خود خارج شده اند.

نکته هفتم: قراین موجود در روایات، برای ترجمه دقیق ماء

اکنون به بررسی روایات رسیده از اهل بیت علیهم السلام می پردازیم تا ببینیم آیا می توان دلیلی بر بازنگری در مصداق کلمه الماء یافت و معنای دیگری برای آن در نظر گرفت که مجموع آفریدگان زنده را در برگیرد و نیازی به محدود سازی این آیات و خارج شدن از ظهورشان نباشد. ای بسا که نتیجه بررسی ها نشان دهد که مانند دیگر کلمات خاص، کلمه ماء نیز بدون ترجمه کردن به آب، به کار برده شود.

ماء مادة المواد جهان مادی

در منابع معتبر روایی شیعی، هر جا به نحوی سخن از آفرینش است، به کثرت، کلمه

ماء دیده می‌شود. ماء ماده اولیه‌ای است که خدای متعال در ابتدای آفرینش همه چیز را از آن آفرید. امام باقر علیه السلام در پاسخ به فرد شامی که درباره آغاز آفرینش جهان پرسیده بود، چنین فرمود: «كَانَ إِذْ لَا شَيْءَ غَيْرُهُ وَ خَلَقَ الشَّيْءَ الَّذِي جَمِيعُ الْأَشْيَاءِ مِنْهُ وَ هُوَ الْمَاءُ...» (الکلینی، الکافی/۸/۹۴).

در این جا امام باقر علیه السلام ماء را به عنوان ماده‌ی مواد همه عالم و نخستین مخلوق مادی معرفی می‌فرماید که قبل از آن چیز دیگری نبوده و همه چیز از آن آفریده شده است؛ زیرا اگر قبل از آن ماده دیگری بوده باشد، آن‌ها نیز باید از چیز دیگری آفریده می‌شدند و این تسلسل باطل پایانی نداشت؛ یا این که باید می‌پذیرفتیم که از ازل به همراه خدای متعال یک ماده‌ای موجود بوده باشد که این نیز با عقل سلیم و نقل معتبر همخوانی ندارد. تاکید آغازین روایت نیز همین باور را مردود می‌شمارد:

"كَانَ الْخَالِقُ قَبْلَ الْمَخْلُوقِ. وَ لَوْ كَانَ أَوَّلَ مَا خَلَقَ مِنْ خَلْقِهِ الشَّيْءَ مِنَ الشَّيْءِ، إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ انْقِطَاعٌ أَبَدًا. وَ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ إِذَا وَ مَعَهُ شَيْءٌ لَيْسَ هُوَ يَتَقَدَّمُهُ، وَ لَكِنَّهُ كَانَ إِذْ لَا شَيْءَ غَيْرُهُ؛" خالق، پیش از مخلوق بوده است و اگر نخستین چیزی که آفرید (الماء)، خود از چیز دیگری خلق شده بود، این سلسله ادامه می‌یافت و هرگز انقطاع نداشت و در این صورت باید به صورت ازلی و همراه با خدا موجود دیگری بود؛ که خدا به آن پیشی نداشت، در حالی که خدا بود و غیر از او هیچ چیز دیگری نبود.

به همین جهت، روایات رسیده از معصومین علیهم السلام این ماده را ابداعی یا به تعبیر دیگر "لا مِنْ شَيْءٍ" می‌دانند (الاحتجاج/۱/۹۸: عن الرضا علیه السلام: اِبْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا). در ادامه روایت مرد شامی، امام باقر علیه السلام عبارت دیگری را در تاکید بر آغازین بودن ماء به کار برده و فرموده است که هر چیزی به ماء منسوب است، ولی خود ماء منسوب به چیزی نیست: "فَجَعَلَ نِسْبَ كُلِّ شَيْءٍ إِلَى الْمَاءِ وَ لَمْ يَجْعَلْ لِلْمَاءِ نِسْبًا يُضَافُ إِلَيْهِ؛" پس نسبت هر چیزی را به ماء قرار داد و برای ماء هیچ نسبتی که به آن منسوب گردد، قرار نداد. (الکلینی، الکافی/۸/۹۴).

اگر مجرد را موجودی بدانیم که هیچ نوع ویژگی مادی ندارد (مصباح یزدی، آموزش

فلسفه/۱۵۹/۲) و مشمول زمان و مکان نمی‌شود، این ماده اولیه خلقت مجرد نیست، زیرا حادث است و آغاز آفرینشی دارد. از طرفی نفس آفریده شدن همه چیز از ماء، نشان دهنده مادّی بودن آن است (همان/۱۶۰/۲). زیرا امکان ندارد که از یک موجود مجرد، موجودات مادی ساخته شود. پس این کلام امام باقر علیه السلام که منشأ هر چیزی را ماء بیان می‌دارد، نشان می‌دهد که همه عوالم، چه آخرتی و چه دنیوی، مادی‌اند؛ با این تفاوت که برخی لطیف و برخی کثیف (ویژگی جسمانی)‌اند.

از آنجا که ماء سرچشمه هر موجودی - هر چند موجودات لطیف و غیر محسوس - است، از تمامی آن عناصر و موجودات، لطیف‌تر و بسیط‌تر است؛ از این رو عبارت «ماء بسیط» می‌تواند عنوان شایسته‌ای باشد که برخی از اندیشمندان برای آن برگزیده‌اند (میرزا مهدی اصفهانی، معارف القرآن/۴۵/۳). از این پس، در این مقاله نیز از این عنوان استفاده کرده‌ایم تا به راحتی آن را از آب و یا سایر کلمات مشابه جدا و مشخص سازیم. امام رضا علیه السلام در معرفی این ماده به عمران صابی، از ویژگی محدود بودن و اندازه داشتن آن سخن گفته و با این ویژگی، این ماده مخلوق را از خالق آن جدا ساخته است: "وَاعْلَمْ أَنَّ الْوَاحِدَ الَّذِي هُوَ قَائِمٌ بِغَيْرِ تَقْدِيرٍ وَلَا تَحْدِيدٍ خَلَقَ خَلْقًا مُقَدَّرًا بِتَحْدِيدٍ وَتَقْدِيرٍ؛" بدان، خدای یکتایی که بی حد و اندازه است، آفریده‌ای را خلق کرد که دارای حد و اندازه بود. (الصدوق، التوحید/۴۳۸).

امام رضا علیه السلام در این روایت، بیان می‌فرماید که این ماده، نه در چیزی موجود شده و نه تکیه به چیز دیگری داشته است: "لَا فِي شَيْءٍ أَقَامَهُ وَلَا فِي شَيْءٍ حَدَّهُ؛" و در نقلی دیگر از آن تعبیر به جوهر کرده است. (ابن شهر آشوب، المناقب/۳۵۴/۴).

این جوهر با اعراضی که بر آن وارد می‌شود، گوناگون شده و به شکل‌های مختلف درمی‌آید: "مُخْتَلِفًا بِأَعْرَاضٍ وَحُدُودٍ مُخْتَلِفَةٍ" (الصدوق، التوحید/۴۳۰).

به این ترتیب، با کاستن و افزودن این اعراض یا ویژگی‌ها، ماء بسیط به چیزهای مختلفی تبدیل می‌گردد؛ همان طور که آب انگور به شراب تبدیل می‌شود. (ابن شهر آشوب، المناقب/۳۵۴/۴)... وَانْقَلَبَتِ كَانْقِلَابِ الْعَصِيرِ خَمْرًا. بدین سان در نظام معرفتی اهل بیت علیهم السلام تنها

یک جوهر هست که ماده اولیه آفرینش و سرچشمه و منشأ همه موجودات می‌باشد. ویژگی‌هایی مانند سیال بودن، موج داشتن، شفافیت، انعطاف در ماء بسیط با شدتی بسیار زیادتر از آب، در آن، سبب شده که در برخی از روایات، از آن به "دریا" تعبیر گردد. امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه، سخن از دریایی می‌راند (سید رضی، نهج البلاغه/۳۲۸) که خدای متعال ریح را بر آن حاکم کرده است و پس از مراحل آسمان‌ها و زمین را از آن آفریده است. به نظر برخی از شارحان، این دریا نمی‌تواند همان آب متشکل از اکسیژن و هیدروژن باشد (مکارم شیرازی، پیام امام/۱۷۱/۸-۱۸۰). باید دانست که این دریای موج قبل از آفرینش آسمان‌ها و زمین بوده است و در روایات دیگر از جمله حدیث امام باقر علیه السلام با مرد شامی نیز همین تعابیر در باره ماء بسیط به چشم می‌خورد (کافی/۹۴/۸). لذا شاید بتوان گفت که منظور از این دریای پهناور موج، همان ماء بسیط آغاز خلقت است که امیرمؤمنان علیه السلام آن را از نمایه‌های اقتدار الهی و بدایع آفرینش خداوند می‌داند که آسمان‌ها را از آن به وجود آورده است.

خدای متعال با تغییراتی که در ماء بسیط ایجاد کرد، خمیرمایه آسمانها یعنی دخان را (که شباهت به دود دارد) (کافی/۹۴/۸: حتی ثار من الماء دخان) و ماده آغازین زمین که شبیه کف روی آب بوده (کافی/۹۴/۸: حتی ثار من الماء زبد)، فراهم نمود و از این خمیرمایه‌ها آسمانها و زمین را آفرید.

هر کدام از این مواد، شباهت‌هایی با آب و آتش و دود این دنیا دارند که این وجوه مشترک، اجازه کاربرد آن کلمه را داده است. عوارضی که بر ماء وارد شد، موادی را پدید آورد که با کف روی آب و دود تناسب داشته است؛ گرچه دود برخاسته از سوختن چیزی نبوده است، زیرا هنوز نه زمینی بوده، نه آسمانی و نه آتش و آبی. امام باقر علیه السلام آیات زیر از سوره نازعات را اشاره‌گر به همین موضوع برمی‌شمارد: «السَّمَاءُ بَنَاهَا* رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا* وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا» (النازعات/۲۷-۲۹).

و تصریح می‌کند که در آن هنگام، نه خورشیدی بود و نه ماه و نه ستارگان و نه ابری. و خداوند متعال از این ماده، آسمان و زمین را آفرید. او پیش از زمین، آسمان را گستراند و

سپس به گستردن زمین پرداخت که ادامه سوره «وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا» به آن اشاره دارد (النازعات/۳۰).

آشنایی با این جوهر وحدانی، بسیاری از مشکلات و پرسش‌های بشری را حل می‌کند. بدون شناخت این جوهر، باید بیشتر آیات و روایات را یا از معنای اصلی آن منحرف ساخت و یا از طریق تأویلی که صاحب سخن به آن راضی نیست، به معنای دیگری بازگرداند. این گوهر علمی از طریق پیامبرگرمی خداوند متعال ﷺ و جانشینان بحق او به دنیای علم اهدا شده است.

نتیجه سخن:

پس از آشنایی با ماء، اکنون به ترجمه و شرح آیه ۳۰ سوره انبیاء باز می‌گردیم و می‌بینیم که به راحتی و بدون هیچ ابهامی می‌توان آن را ترجمه کرد و معنای آن را فهمید. در این آیه خدای متعال آفرینش همه موجودات زنده را از ماء قرار داده است. در این صورت جعل به معنای خلق و دارای یک مفعول می‌باشد. به این شکل، نه از ظاهر آیه دور می‌شویم و نه معنای آن را تغییر می‌دهیم. از طرف دیگر، لازم نیست که هیچ موجود زنده‌ای چه لطیف و غیر محسوس مانند فرشتگان و پریان و نه هیچ موجود زنده دیگری را از شمول آیه خارج سازیم.

منابع

قرآن کریم

- ابن درید، ابوبکر، محمد بن الحسن، جمهرة اللغة، دار العلم للملايين، بیروت، ۱۹۸۷ م
 ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نشر علامه، قم، ۱۳۷۹ ش
 ابن فارس، احمد، ترتیب مقایس اللغة، مرکز دراسات الحوزة والجامعة، قم، ۱۳۹۰ ق
 ابن میثم بحرانی، میثم بن علی، قواعد المرام فی علم الکلام، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۶ ق
 استرآبادی، علی، تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۹ ق
 الاصفهانی، میرزا مهدی، معارف القرآن، مؤسسة معارف اهل البيت ﷺ، قم، ۱۴۳۸ ق
 الجوهري، اسماعيل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، دار العلم للملايين، بیروت، ۱۴۰۷ ق
 جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تستیم، مرکز نشر اسراء، قم

- الرازی، محمد بن ابی بکر، أسئلة القرآن المجید و أجوبتها، المكتبة العصرية، بی تا
- الرازی (فخرالدین)، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق
- زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق
- الزمخشری، جار الله، الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التاویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۴ ق
- الشوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، دار ابن کثیر، بیروت، ۱۴۱۴ ق
- الصدوق، محمد بن علی، التوحید، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۸ ق
- طباطبایی، سید محمد حسین، الرسائل التوحیدية، مؤسسة النعمان، بیروت، ۱۴۱۹ ق
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۷ ق
- الطبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، انتشارات اسوه، تهران، ۱۴۱۳ ق
- الطبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۹ ق
- الطوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، مترجم: جلال الدین مجتبی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰ ش
- کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران، ۱۳۳۶ ش
- الکلینی، الکافی، دارالکتاب الإسلامیة، تهران، ۱۳۸۸ ق؛ همین کتاب، دار الحدیث، تهران، ۱۴۳۰ ق
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، نشر دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق
- مصباح یزدی، آموزش فلسفه؛ انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۱
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۶۸ ش
- معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ش
- میبدی (رشیدالدین)، احمد بن ابی نصر، کشف الاسرار و عدة الابرار، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ ش